

## « جهان به کجا می‌رود؟ » و انسانیت کجاست؟

۲۰۰۲/۴/۳۰

نامه‌ی سرگشاده به انسان‌های سراسر جهان

به انسان‌هایی که خواهان دفاع از شرف انسانی برای دنیایی انسانی به دور از استعمار، ظلم، ستم، تبعیض، تجاوز و بربریت می‌باشند و برای صلح، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی می‌کوشند و به تمامی گروه‌ها، سازمان‌ها، احزاب، اتحادیه‌ها و جبهه‌های موجود در سراسر جهان، از تمامی ملیت‌ها - به ویژه ایرانیان - که ارزش‌های فوق‌رای نمایندگی می‌کنند یا خود را با این آرمان‌ها همسو می‌دانند؛

و چون انسان انسان است ...

ای انسان، ای عزیز، با تو، گفت و گو می‌کنم، به تو به عنوان یک هم‌درد و هم‌سرنوشت و همراه، نامه‌ی نویسم، "فراخوان" نمی‌دهم و منتظر می‌مانم تا به مسائلی که در زیر یا تو در میان می‌گذارم، پاسخ بدهی:

در اخبار دوشنبه ۲۴ ژوئن، ناباورانه شنیدیم که جورج دبلیو بوش رئیس‌جمهور آمریکا گفت: « فلسطینی‌ها باید رهبری جدیدی انتخاب کنند تا بتوان یک دولت فلسطینی تشکیل داد »!

در پاسخ تعجب‌ها، تردیدها و ناپاوری عمومی در سطح جهان<sup>(\*)</sup>، دو روز بعد کلین پاول وزیر امور خارجه آمریکا اعلام داشت: «سخنان پرزینت بوش روشن و ساده است و دلیلی برای سوء تفاهم در آن وجود ندارد و این امر باید به اجرا درآید. یاسر عرفات باید برکنار شود و این شرط جدی ادامه‌ی مذاکرات صلح است».

حرف، سراسر است و پوست کنده است. اسرائیل با مجهزترین سلاح‌ها از زمین و هوا و دریا نه مانده‌ی خاک فلسطین را در محاصره‌ی نظامی دارد و روز به روز حلقه‌ی آن را تنگ‌تر می‌کند، آن‌گاه "فرمانده نظامی" و "آقای جهان" جرج بوش با یک "فرمان نظامی" کاملاً "روشن و ساده" امر به عزل و نصب می‌کند. اگر فلسطینی‌ها اطاعت کنند و تسلیم این "فرمان" شوند، که خوب، بعد از افغانستان، فلسطین دومین مستعمره‌ی جدید آمریکا شده و راه برای ادامه‌ی این کشور گشایی‌ها مثلاً در عراق، کره (همان‌گونه که امروز هم در اخبار شنیدیم، بهانه برای حمله به کره‌ی شمالی در درگیری‌های تحریک آمیز دریایی و حمله به کشتی‌ها فراهم شد) و یا ایران، شاید هم کوبا و دیگر نقاط هموار می‌شود و تدریجاً به این روش دخالت‌گرانه، قیم‌مآبانه و تجاوزگرانه‌ی آمریکا در پامال کردن حقوق حقه‌ی ملت‌ها در تعیین سرنوشت خویش، حقانیت و رسمیت "قانونی" بخشیده و تمامی دنیا را بلامنازع به تیول خود در می‌آورد، ولی اگر فلسطینی‌ها از این "فرمان" سرپیچی کرده و علاغم به خطر افتادن مذاکرات صلح ناشی از تهدید علنی آمریکا، دست به مقاومت بزنند، بنا به اخطار تهدیدآمیز "تاریخی" جورج دبلیو بوش در فردای ۱۱ سپتامبر که: «هر کس با ما نیست، برماست»، بلافاصله حکم مجازات این متمردين از "اوامر"، صادر و با به حرکت درآمدن تانک‌ها و زره‌پوش‌های اسرائیل به فرماندهی جنایت‌کاری چون قصاب شتیلا: آریل شارون، باقی مانده‌ی خاک این سرزمین خونین را به توبره می‌کشند و قتل عام وحشیانه تری بر پرورنده قتل عام‌های جنایت‌کارانه‌ی تاکنونی اسرائیل افزوده می‌شود. (همان‌گونه که دو روز پیش مقدمتاً ساختمان مرکز فرماندهی دولت فلسطین در هیرون را برای دستگیری ۱۵ مبارز فلسطینی محاصره کردند و در ابتدا قصد داشتند آن را با بولدوزر بر سرشان خراب کنند ولی روز بعد با روش "انسانی تری" ساختمان را از زمین و هوا وحشیانه بمباران کردند و تاکنون اثری از آن انسان‌ها به دست نیامده و به احتمال زیاد در زیر آوار خروارها خاک مدفون شده‌اند و بشریت بهت زده این ایلغار بربرمنشانه و این جنایت عریان ضد بشری را ناباورانه نظاره می‌کند و دیگر هیچ ...!)

هر چند هدف مقدماتی آمریکا از این تهدیدات و شانتاژها، خلع سلاح کردن رهبری کنونی فلسطین و شخص یاسر عرفات برای گوش به فرمانی و انقیاد کامل و دادن امتیازات باز هم بیش تری در پای میز مذاکرات به اسرائیل است. اما نتایج آتی این سیاست‌های انقیاد طلبانه و قلدرمنشانه به هر صورت و در هر شکل عملی آن، نه تنها خلق فلسطین را از کم‌ترین حقوق انسانی اش در تعیین سرنوشت خود محروم می‌سازد و آن را با خطرات جدی و ویرانگر مواجه می‌کند، بل که امنیت جهانی، شئون انسانی و آینده‌ی بشریت را به طور جدی به خطر می‌اندازد.

اگر آمریکا تا کنون یا کودتاهای نظامی در امور کشورها دخالت می‌کرد و دولت‌های دست‌نشانده را به روی کار می‌آورد، پس از شکست مفتضحانه در آخرین کودتایش در ونزوئلا و با اتکاء بر تجربه‌ی "پیروزمند" و غرور "فتوحاتش" در افغانستان، شمشیر از رو بسته و علناً به جای کودتای نظامی با "فرامین نظامی" برای ملت‌ها تعیین تکلیف می‌کند تا با شیوه‌ی استعماری و عزل رهبری کنونی فلسطین، دولت فلسطینی مطلوب تر، خود را (نظیر افغانستان) به سر کار آورد.

باقی رهبری کنونی فلسطین با تمام ضعف‌هایش و با انتخاب رهبرانی قاطع و سازش‌ناپذیر، مسأله‌ی مردم فلسطین است و مردم فلسطین با تاریخ طولانی مبارزه و مقاومتشان نشان داده‌اند که خلقی آگاه، هشیار و بالغ هستند و احتیاج به قیم ندارند و از این حق

(\*) - این ناباوری و مخالفت‌ها به حدی بود که حتی در کنفرانس G7+1 در Calgari کانادا در هفته گذشته نیز دیدیم که علاغم تلاش بی‌شرمانه‌ی جورج بوش برای تحمیل این موضوع در دستور جلسه و به تبعیت گشتادن سران دیگر کشورها، آنان با توجه به این که خود، قربانیان بعدی این سیاست استعماری خواهند شد، به خاطر حفظ منافع خود، نه برای دفاع از مردم فلسطین یا مخالفت اساسی با تجاوز و سرکوبی، فشار آمریکا را نپذیرفته و پیش نهاد بوش را از دستور جلسه خارج کردند و حاضر نشدند نسخه‌ی او برای فلسطین را به خاطر "غیر دمکراتیک" بودن بپذیرند!

انسانی خود در تعیین سرنوشتشان قاطعانه دفاع خواهند کرد و دولتی "Made in USA" را به لقایش خواهند بخشید و خود سرانجام دولت مستقل و مردمی خود را ایجاد خواهند کرد. کافکا می گوید:

**« چنانچه فردا اسارت ما هم چنان برقرار بماند، یا سخت تر شود، یا حتی به صراحت اعلام کنند که این اسارت ابدی است، باز نمی توان فردا رسیدن رهایی ما را منکر شد، زیرا این همه، خود مقدمه ی ضروری رهایی نهایی ماست.»**

### **سکوت جایز نیست، درنگ جایز نیست!**

همدوش خلق قهرمان فلسطین بپا خیزیم و با افشاء و مبارزه علیه این سیاست های قیم مآبانه و قلدرمنشانه ی آمریکا و دفاع قاطع از حقوق خلق ها در تعیین سرنوشت خودشان، لجام این جهان خوار وحشی و هار را که بشریت را به نابودی کامل سوق می دهد، مهار کرده و راه رهایی نهایی را هموار سازیم.

ای انسان، ای عزیز!

اگر این درد بزرگ مشترک و این احساس انسانی در دفاع از مقام انسان و خطری که امروز و آینده ی بشریت را تهدید می کند، مسأله ی تو هم هست و وجدان آگاه تو را به واکنش وامی دارد، به عنوان یک هم درد، به عنوان هم راه و یاور، دست یک دیگر را بگیریم و با هم تکان بخوریم، یک صدا هم می تواند سکوت را بشکند، طنین صدای من و تو با هم رساتر می شود و پژواک آن می تواند به فریاد، به رعد، به تندر، به خشم و خروش میلیونی انسان ها تبدیل شود. آن گاه خیلی کارها می توانیم بکنیم:

ابتدا نظر و پیش نهادت تکمیلی خونت را برابم بنویس، می توانیم همین حرف ها را با هر کس از خانواده تا نزدیک ترین و دورترین آشنایان، از در خانه مان تا آن سوی دنیا، از ایرانی تا هر ملیت دیگر، از کوچک ترین گروه تا بزرگ ترین جبهه در میان بگذاریم. با گفت و گوی حضوری، تلفن، فاکس، ایمیل، اینترنت و ... و از آن ها بخواهیم با همین کارها با ما هم صدا و هم گام شوند و مقدمات افراد می توانند همین نوشته یا مضمون آن را به نام خود و با جمع آوری امضاء منتشر کنند، سازمان ها اعلام موضع کرده و اعلامیه های خود را صادر کنند، سپس با هم بیانیه ی مشترک بدهند، هر کس همین نامه یا مضمونی از آن را به هر زبانی که می داند و یا از هر مترجمی که می تواند، به نام خود ترجمه کرده و در اختیار افراد و نیروهای بین المللی قرار دهد یا از طریق اینترنت پخش کند. با این تدارکات سیاسی - تبلیغاتی مقدماتی می توان با مذاکرات و تدارکات کافی، تدریجاً به پای برگزاری انواع اکسیون های مشترک در سطوح محلی، کشوری و جهانی رفت.

سرانجام با گام هایی سنجیده و نظام مند و با آموزش از تجربه ی تاریخی، برای تشکیل سمبلیک یک بریگاد بین المللی مقاومت علیه صهیونیسم و فاشیسم اسرائیل؛ استعمار، جنگ افروزی و جهان خواری آمریکا (با مستمسک "مبارزه با تروریسم") و در مقابل "تظم نوین جهانی" و "گلوبالیزاسیون" که استراتژی تمامی قطب های نظام جهانی سرمایه است، گام های اساسی و استوار برداریم. تشکیل این بریگاد به عنوان یک استراتژی از مسیر همان گام های اولیه و در جریان رشد حرکت های مشترک، تدریجاً به صورت ارگانی سیاسی شکل خواهد گرفت.

در این مسیر طولانی اگر حتماً یک گام اولیه هم می توانیم برداریم، به پیش!، به راه بیاقتیم!  
و چون انسان انسان است ... ای رفیق جای خود بایست! ...

انسانی مثل تو : سیامک مویدزاده

دستت را به گرمی می فشارم و منتظر پاسخ ات هستم. (\*)

Tel.+ Fax: 0049- (0) 40- 71 37 06 83

E-Mail : int.brigade @ yahoo.de

(\*) - می دانی که بی مایه فطیره! چه همین تلاش و ارتباطات تا کنونی و چه گام های بعدی این سفر طولانی خرج دارد، اگر هر یک به سهم و در توان خود مایه ای بگذاریم، پیمودن این راه را هموار و موفقیت خود را در برداشتن موانع آن تضمین می کنیم. اگر هیچ کاری هم از دست بر نیاید، حداقل با کمک مالی می توانی بخشی از خرج سفر این راه طولانی را تأمین کنی. اگر خواستی کمکی هر چند ناچیز بکنی، اطلاع بده تا یک شماره حساب بانکی در اختیار بگذارم.